سرِ مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. در چهار گفتار پیشین که در باب عدل الهی در سرِمقاله‌های شماره ۵۰ تا ۵۳ منتشر شد، به این نکته مهم اشارت رفت که حیطهٔ بحث مهم عدل الهی، افعال انسان است که مبتنی بر اختیار اوست، اختیاری که خدای رحیم حکیم به او داده و از او به همان سرمایه حساب خواهد کشید که در طول عمر خود، از آن چگونه بهره برده؟ استفاده کرده یا سوء استفاده.

۲. این اختیار، فطری است. یعنی هر انسان عاقل مختار به اندک توجّهی بر خود و واقعیت وجودی و کردارهایش آن را می‌یابد. اگر نخواهد این یافتهٔ وجدانی را بپذیرد، یا بخواهد بر آن سرپوش نهد و کتمان کند، کلام دیگری است. طرفه اینکه گاهی به این انکار و کتمان، رنگ شبه استدلالی می‌بخشد، در حالی که خود می‌داند اصل قضیه چیست.

خدای حکیم در مورد درون برخی منکران چنین شهادت می‌دهد: "بل الانسان علی نفسه بصیرة و لو ألقی معاذیره" (سوره قیامت، آیهٔ ۱۴ و ۱۵)

همین کلام کوتاه، پاسخی است قاطع بر تمام آن سخنان. "یافته" ای است که تمام آن "بافته‌ها" را پاسخ می‌گوید، گرچه در جامهٔ استدلال‌های رایج جای نگیرد.

۳. در گفتارهای پیشین، ابتدا چشم‌اندازی از گروه‌هایی که منکر اختیار انسان‌اند ارائه شد (شماره ۵۰)، آنگاه در باب ارکان و ثمرات اختیار گفتگو شد (شماره ۵۱)، نقش ترجمه‌های غلط از متون وحیانی واکاویده شد. (شماره ۵۲)، و در باب جایگاه گویندگان در این میان بحث شد (شماره ۵۳). در این گفتار، بابی دیگر می‌گشاییم، بدان امید که با این فتح باب، دریچه‌ای از نور و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.2.4]

بصیرت بر دلهای ما گشوده شود. در این گفتار، نحوهٔ بهره‌گیری کاربران از نصوص وحیانی بحث می‌شود.

٤. سخن را از اینجا آغاز می‌کنیم که کالای فرهنگی همچون هر کالای دیگری، مشمول قانون عرضه و تقاضا است. عرضهٔ مناسب این حقایق، محور گفتارهای پیشین بود. امّا تقاضای آن سخنی دیگر دارد. به بیان دیگر، تولید کالا یک قصّه دارد و مصرف آن قصه‌ای دیگر. تاکنون در باره تولیدکنندگان این متاع معنوی سخن گفته‌ایم. امّا تقاضاکنندگان و مصرف کنندگان این متاع فرهنگی چه کسانی هستند؟ عمدتاً دو گروه خاص: خواصّ و عموم مردم. در اینجا بیشتر عموم مردم مورد نظر ما است، از آن روی که دین برای همگان آمده است (کافّة للناس)، و نیز بدان روی که این مخاطب گرامی در میان هزار توی مباحث پیچیدهٔ متخصصان گم می‌شود.

٥. اندک نگاهی شتاب زده به متون وحیانی، ما را به این مطلب می‌رساند که به این گونه کتابها نباید مانند کتابهای بشری نگریست. نویسندگان بشری گروه خاصّی از مخاطب را در نظر می‌گیرند و در سطح آنها سخن می‌گویند، آن هم با دسته‌بندی مطالب به شیوه‌ای که همگان درس آموخته‌ایم و بدان خو گرفته‌ایم. طبعاً با این شیوهٔ بیان، فردی غیر از مخاطبان مستقیم آن کتاب یا درس، نمی‌تواند از آن بهره بگیرد، چنانکه نه خود انتظار آن را ندارد و نه از او انتظار می‌رود.

٦. امّا در متون وحیانی (آیه و حدیث)، گوینده (خداوند یا حجت معصوم او)، مطابق با نیاز و سطح فهم و دیگر مقتضیات فرد یا گروه مخاطب سخن می‌گوید. مانند دارویی که پزشک برای بیمار خاصّ به تناسب وضع خاصّ او می‌نویسد. گاه کاربرد عامّ دارد و گاهی فقط برای آن فرد به کار می‌آید. به عبارت دیگر، "زمینه و زمانهٔ صدور کلام"، نقش اساسی در فهم معنای آن دارد که نباید از آن غفلت شود.

لذا "تمام مطالب" در "تمام نصوص با نگرش به شیوهٔ چشم انداز" به دست می‌آید، نه با نگرشِ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.2.4]

جزئی به تک تک نصوص. لذا گاهی یک مطلب در ضمن چند حدیث بیان شده، در یکی به اجمال و دیگری به تفصیل. گاه در یک نصّ، بخشی از مطلب بیان می‌شود و در نصّ دیگر، بخشی دیگر.

لذا در مورد هر مطلبی نمی‌توان قضاوت کامل داشت جز به این شیوه که تمام این جزئیات را مانند یک "جورچین" دقیق و حکیمانه در کنار هم ببینیم.

۷. رسول خدا صلی الله علیه و آله در کلامی استوار فرمود: "انّا معاشر الانبیاء أمرنا ان نکلّم الناس علی قدر عقولهم" (کافی، ج ۱، ص ۲۳) این یکی از محدودیت‌هایی است که حجّت‌های الهی بدان گرفتار می‌آیند. همین مشکل زمانی شدّت می‌گیرد که "اغیار" در مجلس باشند و امام معصوم علیه السلام به رعایت اصل خردپسند تقیّه، بخشی از مطالب را نگوید؛ چرا که به حق گفته‌اند: "جز راست نباید گفت، هر راست نشاید گفت." البته غالب آنچه را که در چنان مجالسی بیان نشده، در فرصتی دیگر تبیین کرده‌اند. و این تبیین را نمی‌توان یافت، جز آنکه تمام نصوص مربوط به یک موضوع، یکجا دیده شود.

۸. در علم الحدیث در این باب نیز گفتگو می‌شود که گاهی برخی از راویان، کلام امام علیه السلام را به شیوهٔ نقل به مضمون، آورده‌اند. و بدین سان، اختلاف‌های جزئی که اصل مطلب را تغییر نمی‌دهد، در میان احادیث روی می‌دهد.

افزون بر آن، در نسل‌های بعد، کتابت حدیث به دست کاتبان مختلف انجام شده که گاهی از دانش کافی بهره نبرده‌اند. لذا از این طریق نیز اختلافهایی پیش آمده که برای پژوهشگران مبتدی یا خوانندگانِ ناآشنا با مبانی علم الحدیث پرسش‌هایی پدید می‌آورد.

۹. دشواری‌های بهره‌گیری از علم الحدیث، گاه به شباهت دو کلمه با هم در نگارش بر می‌گردد که معانی مختلف دارند. و گاه به این نکته که راوی جواب امام علیه السلام را نقل کرده بدون این که سؤال سائل را بیاورد، لذا زمینهٔ صدور کلام را در اختیار نداریم. نیز تقطیع حدیث، گاه سبب شده که معنای دقیق سخن از دست برود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.2.4]

۱۰. در این مجال کوتاه، فرصتی برای فهرست کردن دشواری‌های بهره‌گیری از حدیث و توضیح راهکارهای دانشوران علم الحدیث برای مقابله با آنها نیست. هدف فقط اشاره‌ای است به تلاش‌های گستردهٔ مفسّران و محدّثان که با جهاد پیگیر خود می‌کوشند با غلبه بر چنین موانعی، راه بهره‌گیری از آیات و احادیث را هموار کنند.

آنان در این میان، توصیه‌هایی برای کاربران از این نصوص وحیانی داشته‌اند. بیست توصیه بر اساس اجازات محدّثان گرانقدر، در سرمقالهٔ شماره ۳۷ (ویژه حدیث) بیان شد، که از تکرار آنها در این گفتار خودداری می‌شود. همچنین به منشور بیست‌گانه‌ای اشاره می‌شود که محدث قمی در پایان کتاب "نفثة المصدور" (چاپ شده به ضمیمهٔ نفس المهموم) به گویندگان توصیه کرده است.

۱۱. در اینجا چند توصیه برای کاربران نصوص وحیانی در زمینهٔ مباحث عدل الهی به ویژه احادیث مشکلهٔ آن بیان می‌شود، بدان امید که مبتدیان را به کار آید و پژوهشگران را سبب تذکّری باشد.

یک. مطالب را یک جانبه و با پیش داوری نبینند، بلکه به تمام احادیث یک باب بنگرد، بدون قضاوت‌های پیشین.

دو. عامل زمینه و زمانه را در نظر بگیرد، و از محدودیت‌های اجتماعی معصومان علیهم‌السلام یا اجمال در آیات قرآن غفلت نکند.

سه. به مخاطب کلام (راوی حدیث) توجه کند. حقایقی که امامان علیهم‌السلام به راویان خاصّ همچون زراره و جابر جعفی و هشام بن حکم گفته‌اند، در احادیث عادّی و جاری دیده نمی‌شود، بلکه به نوعی تبیین نکته‌های ظریف آنهاست.

چهار. در مناظرات، تمام حقایق گفته نمی‌شود، بلکه بخشی از حقایق که ناظر به کلام مخاطب است، بیان می‌شود. آن هم در بعضی موارد، با فرض قبول عقاید نادرست یا ناتمام او به توضیح مطلب پرداخته‌اند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.2.4]

پنج. شناخت طریق نقل حدیث و اعتبار منبع، در همه جا ضرورت دارد، به ویژه در تعارض میان اخبار.

شش. از شرح شارحان معتبر مانند علامه مجلسی نباید غفلت کرد. گره‌گشایی‌های شروح حدیث همچون تفاسیر قرآن، راه را برای کاربران این گونه متون می‌گشاید.

هفت. به کلیات دین و محکمات شریعت در تمام موارد باید توجه کرد. در قرآن و حدیث، محکمات و متشابهات وجود دارد و متشابهات را باید به محکمات برگرداند. نیز ناسخ و منسوخ که شناخت آن ضرورت دارد.

هشت. عرضه به قرآن و عقل و روایات معتبر دیگر و تاریخ، بخشی از ضوابط بررسی اعتبار حدیث هستند.

نه. احتیاط در قضاوت لازم است. "سرعت در فتوا" را عموم محدثان و فقیهان نهی کرده‌اند.

ده. در حدیث باید درایت کرد (یعنی فهم دقیق) نه نقل محض.

۱۲. توجّه به اصول پیش گفته و ده اصلی که در این گفتار بیان شد، زمانی به بهترین کارآیی خود می‌رسد که همگان توجّه به عنایات حجّت حیّ خدا در این روزگار را در رأس امور بدانند.

عبرت گرفتن از این رویداد تاریخی ضرورت دارد که ظهور فرقهٔ انحرافی واقفه، علتی ندارد جز این که گروهی از شیعیان پس از شهادت امام کاظم علیه‌السلام بدون رجوع به امام زمانشان حضرت ثامن الحجج علیه‌السلام تصمیم گرفتند که کار دین خود را با بهره‌گیری از سخنان رسول خدا و هفت امام معصوم سامان دهند.

پی‌آمد این صلاحدید بشری - که در برابر امر الهی انجام شد- بدعتی بزرگ در دین خدا بود که فصلی گسترده از تلاش‌های امام رضا علیه‌السلام به جهاد با آن اختصاص یافت.

مباد که بی‌توجهّی یا کم توجهّی به امام زمانمان عجل اللّه فرجه در آشفته بازار دورهٔ غیبت، چنان مشکلی را بار دیگر برایمان به ارمغان آورد و مشکل پیچیدهٔ غیبت را بر ما پیچیده‌تر

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.2.4]

سازد.

نگارش این سطور در آستانهٔ ایام میلاد آن امام همام عجل اللّه فرجه در ایام خجستهٔ شعبان را به فال نیک می‌گیریم که شعاعی از آن خورشید ولایت و امامت -گرچه از ورای ابر- بر ما بتابد و جان و دل و ایمان ما را بنوازد. از آن امام همام - کریم من اولاد الکرام- می‌توان و باید امید کرامت داشت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1396.14.54.2.4]